

ایران

امام علی(ع):

فکر تو گنجایش هر چیز را ندارد، پس آن را برای آنچه «مهم» است، فارغ گردان.



سخن‌روز

غررالحکم: ج ۲، ص ۶۰۶

نگاره

رژیم کودک کش اسرائیل



طراح: نیما شاه میری

فضای مجازی

تلخ‌ترین کلاس زبان دنیا

پرستو علی عسگر نجاد ویدیویی را به اشتراک گذاشته و نوشته است: «این تلخ‌ترین و دردناک‌ترین کلاس زبان دنیاست. همین. اگر هنوز به دلیلی برای نفرت از اسقاطیل متواجد، این کلاس آموزش زبان را تماشا کنید. تهنش چیزهای جدیدی یاد خواهید گرفت که عقل خود شیطان هم به آنها نمی‌رسد.» در این ویدیو یک فعال رسانه‌ای به نام بیسان روایتی تلخ از قتل فجیع محمد بحار معلول مبتلا به سندروم داون و اوتیسم توسط ارتش اسرائیل در نوار غزه ارائه می‌کند. او می‌گوید: «رققا، امروز می‌خوام سه تا کلمه عربی خیلی مهم را به شما آموزش بدهم. اولی اش این است «خلص» یعنی «پس است! کافی است!». دومی اش «حیبیی» یعنی «عزیزم» است. سومی اش هم «سبیینی» یعنی «رهایم کن، دست از سرم بردار». «خلص حیبیی، سبیینی» اینها آخرین کلماتی بودند که محمد بحار گفت. پسر جوانی که سندروم داون داشت و در شجاعیه، حوالی شماره غزه زندگی می‌کرد و این کلمه‌ها را به سگ‌های تعلیم دیده هار اسرائیلی‌ها گفت که او را آنقدر گاز گرفتند و دریدند تا شهید شد دست جلوی چشم خانواده‌اش. محمد فکری می‌کرد سگ دارد با او بازی می‌کند. در حالی که سگ هار داشت دست او را می‌جوید و می‌خورد تا بعد، رهایش کند تا از شدت خونریزی شهید شود. در حالی که خانواده‌اش بدون این که هیچ کاری از دست‌شان بریاید، در ناامیدی محض، داشتند این محنه را تماشا می‌کردند. چون ارتش اسرائیل به خانه‌شان ریخته و همه جا را زیر و رو کرده و سگ هار تعلیم دیده‌اش را به جان آنها انداخته بود.» او در ادامه با بغض می‌گوید: «محمد بی‌گناه و معصوم بود. محمد نمی‌فهمید آن سگ با او بازی نمی‌کند بلکه نبود که نمی‌دانست دارد آخرین دقیق زندگی اش را می‌گذراند و تنها گناهش این است که یک فلسطینی است که در غزه زندگی می‌کند و تنها هنر این دنیا این است که می‌داند چطور با اسرائیلی‌ها و اشغالگران کنار بیاید. چرا؟ چون آنها اسرائیلی هستند! و می‌داند چطور ما را سرزنش کند چون ما تروریست هستیم! در حالی که بی‌شک درست عکس این صادق است.»

جای خالی شهید امیر عبداللہیان

محمد صادق شهبازی فعال رسانه‌ای، تصویری از پست اینستاگرامی فائزه تکلو، همسر محمد خزایی را منتشر کرده است. محمد خزایی، دانشجوی دکتری حقوق عمومی، هنگام نماز مغرب در مسجدالحرام ۲۰ خرداد ماه توسط مأموران عربستان بازداشت شد. پس از عنوان حج برات توسط رهبر معظم انقلاب، او تلاش بسیاری زیادی برای آمادگی برای حمایت از فلسطین در فرصت پیش آمده جمع تمتع کرد. همسر محمد خزایی تصویری از او در حالی که پرچم فلسطین را در دست دارد منتشر کرده و نوشته: «پرچمی که بلافاصله بعد از این عکس توسط مأموران عربستان با ثبت کارت شناسایی ضبط شد و حساب تویتری که با اسم واقعی رصد شد، با بازداشت در مسجدالحرام روایت حج برات نیمه کاره ماند. ۲۸ روز بی‌خبریم و منتظر. یک روز امیدوار، یک روز نگران و ناامید. گشایش امور به دست خداست. لطفاً برای حاجی ما دعا کنید.» محمد صادق شهبازی هم با بازنشر این پست نوشته است: «یک جوان ایرانی (محمد خزایی دانشجوی دکتری حقوق عمومی) یک ماه است در هنگام حج دستگیر شده و خبری از سرنوشتن نیست و نه حتی در بند عمومی که اسیر سیستم امنیتی سعودی است. کوچک‌ترین حق که دیدار با نماینده سفارت بوده و تماس با خانواده هم در موردش رعایت نشده. این حتماً در تضاد با کرم شدن روابط دو کشور است گذشته از اینکه نقض حقوق بشر و نادرسی عادلانه هم هست. وزارت خارجه و دستگاه‌های ذی‌ربط در این مدت چه اقدامی برای آزادی او کرده‌اند؟ نباید ایرانیان در بند خارج از کشور ماه‌ها در بیچ و خم دیوان‌سالاری‌هایی از این دست گم شوند. مخصوصاً که در آن کشور در خطرند.» برخی کاربران زیر این پست از جای خالی شهید امیر عبداللہیان نوشته‌اند.

گرمای انسانی زندگی ایرانی

در حالی که بحث و گفت‌وگو درباره سرریال تحسین شده «در انتهای شب» ساخته آیدا پناهنده به بهانه اتمام این سرریال در شبکه‌های اجتماعی گرم است بازیگران این سرریال هم در یادداشت‌هایی به استقبال مخاطبان واکنش نشان داده‌اند. هدی زین‌العابدین در دل‌نویسته احساسی آورده است: «تشکر می‌کنم از مهر شما به من - به ماهی - که عزیزترین بی‌بودم برای ما بین نقش‌هایی که تا به امروز ایفا کردم... که رنجش رنجم بود... بی‌مادریش بی‌مادریم. که از دست داده بود و از دست داده بودم. این زنی که از خودگذشته بود و اما محکوم به کنترل‌گری، سخت‌زبیا بود.» علیرضا داوودنژاد کارگردان مطرح سینما طی یادداشتی با تحسین این اثر در بخشی از یادداشت خود آورده است: «موفقیت منظومه هنری رسانه‌ای هر مملکتی در گرو «دانایی سینمایی» ست که برخورداری از آن، اثری همچون در «انتهای شب» را «باورپذیر»، «انگیزا» و «فراگیر» می‌کند و محرومیت از آن منظومه هنری رسانه‌ای یک ملت را در مقابل منظومه‌های رقیب منطقه‌ای و جهانی «ضعفی»، «گم‌انثر» و «منزوی» می‌سازد. بی‌اعتنایی و دشمنی با سینمای ایران، بر سرشاخ نشستن و بین بردن است. آن‌که به ایران و نسل‌های جوان و آینده‌کشور می‌اندیشد نمی‌تواند به «دانایی سینمایی» بی‌اعتنایی کند و با سینمای ایران دشمنی بورزد. درود بر آیدای پناهنده عزیز و همسر نازنینش ارسلان امیری که با مدد «دانایی سینمایی» شان توانستند گرمای انسانی زندگی ایرانی را به یک سرریال ایرانی بیاورند و به این ترتیب راه این اثر را به زندگی مردم ایران و خانه‌های آنها باز کنند.»

صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیرعامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:
احسان صالحی

سر‌دبیر:

حسام‌الدین برومند

نقل قول

دعا کنید هیچ وقت اباعبدالله(ع) دست مرا رها نکند

هر فردی که در فضای فیلمسازی مشغول به کار است حتماً از پی دغدغه‌ای دست به ساخت فیلم می‌زند. لطف و مهر سیدالشهدا(ع) نیز روزی من بوده است. من نذر داشتم در کوچ‌پس کوچ‌های وسوسه‌برانگیز موضوعات مختلف رها شده، در مسیر اباعبدالله(ع) و کارهای محرمی قدم بردارم. این عشق از زمانی که فیلم کوتاه می‌ساختم آغاز شد و تا امروز ادامه دارد. این من نیستم که این فضا را انتخاب کرده‌ام، بلکه ان‌شاءالله این فضاست که مرا انتخاب کرده است. برای همین از همه می‌خواهم دعا کنند هیچ وقت اباعبدالله(ع) دست مرا رها نکند و همیشه دل‌م گره‌خورده باشد به این خاندان تا بتوانم در فضاها و بیسترهای مختلف، ابعاد گوناگون این فضا را نشان دهم. «شورعاشق» بیرقی است که در سینما برپا شده است. تک تک ما می‌توانیم کمک کنیم که این بیرق، پرچی شود که در سینما از فیلم‌های عاشورایی حمایت کند.



بخشی از گفت‌وگوی منتشر شده در یوتیوب با کارگردان فیلم سینمایی «شورعاشق»/ ایکنآ

یادداشت

کربلا، میراث مشترک فرهنگی و تمدنی ایران و عراق

تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که ایرانیان و عراقی‌ها به واسطه ارادت به خاندان ائمه اطهار مشترکات مذهبی بسیاری با یکدیگر دارند. شکل‌گیری قیام شیعی مختار تقی در کوفه و همراهی ایرانیان با آن، گواهی بر این مدعاست. وجود پیکر مطهر شش تن از امامان شیعه(ع) در خاک عراق و علاقه تاریخی ایرانیان به زیارت مقابر این بزرگان، ارزشی مشترک برای مردم دو کشور به وجود آورده است.

در این میان، شهر کربلا به واسطه وجود پیکر مطهر امام سوم شیعیان اهمیت تاریخی ویژه‌ای برای ایرانیان دارد؛ عشق ارادت به سرور و سالار شهیدان امام حسین(ع) در عمق وجود هر ایرانی ریشه دوانده و زیارت آستان حسینی آرزوی همه ایرانیان است. در واقع، شاید بتوان گفت که ارزش‌های مشترک میان دو تمدن ایران و عراق در شهر کربلا متبلور شده است. از این روی، نامیدن کربلا به عنوان «میراث مشترک تاریخی- تمدنی ایران و عراق» سخنی تاروا نخواهد بود. در مجموع، کتاب حاضر یادآوری می‌کند که اهمیت وافرمیراث پیشینیان در حافظه تاریخی مردم بی‌شکس پوشیده نیست؛ این میراث سرشار از معانی و دلالت‌های عمیق تمدنی بوده و اهمیتش به این دلیل است که همواره پل ارتباط گذشته با زمان معاصر بوده است و باعث شده نسل کنونی از خلال این موارد با تاریخ صدها سال قبل خود آشنا شوند. از آنجایی که ایران و عراق در زمینه‌های مختلف و متنوع فرهنگی، اجتماعی و انسانی همواره با هم در ارتباط بوده‌اند، بررسی مضامین، اصول و ریشه‌های روابط گذشته میان دو کشور درطول تاریخ با ایران ساخته شد. اما مهم‌ترین میراث مشترک فرهنگی و تمدنی ایران و عراق «اقدامی مؤثر در این زمینه است.



بخش «مقالات نویسندگان عراقی» هم ۷ مقاله به قلم نویسندگان و محققان عراقی ارائه شده است. در بخش مقدمه این اثر اشاره شده که دو کشور ایران و عراق به دلیل پیوستگی جغرافیایی، از دیرباز دارای تعاملات فرهنگی با یکدیگر بوده‌اند. محتوای مقالات ارائه شده در این کتاب بر این نکته تأکید دارد که سرزمین ایران با بیش از شش هزار سال سابقه مدنیت، مهد قدیمی‌ترین تمدن‌های انسانی بوده است. سابقه دیرینه تاریخی تمدن‌های واقع در حوزه بین‌النهرین (عراق امروز) هم برکسی پوشیده نیست. ارتباط میان این دو حوزه تمدنی از دورترین ادوار وجود داشته است و حکومت‌های حاکم بر قلمروی سرزمینی دو منطقه طی قرون متمادی دارای روابط نزدیکی با یکدیگر بوده‌اند.

در دوران اسلامی، این دو حوزه تمدنی نقش مؤثری در شکوفایی و بسط تمدن اسلامی داشتند. تاریخ ایران و عراق در این دوران به واسطه مسائل گوناگونی به یکدیگر پیوند خورده است. به عنوان مثال، شهر کوفه در دوره فتوحات به عنوان پایگاه نظامی برای غزوات اسلامی با ایران ساخته شد. اما مهم‌ترین نقطه مشترک میان دوطرف، تشیع است که به حلقه ارتباطی وثیقی میان ایران و عراق در تمدن اسلامی

پیوندهای فرهنگی و تمدنی ایران و عراق با محوریت شهر مقدس کربلا در ماه‌های محرم و صفر بیش از هر زمان دیگر جلوه‌گری می‌کند و رویدادهای بزرگی همچون مراسم روز عاشورا و پیاده‌روی اربعین از جلوه‌های تماشایی آن است. این مسأله از دید مراکز و سازمان‌های فرهنگی و همچنین محققان و پژوهشگران هم دور نمانده و در برنامه‌ها و آثارشان منجلی شده است. در این راستا، چندی پیش مرکز تحقیقات و پژوهش‌های عتبه مقدس حسینی (مرکزادرسات و الجوث) در کربلا و مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، اولین همایش علمی بین‌المللی را در شهر مقدس کربلا برگزار کردند.

بخشی از این همایش با محوریت تأثیر ایرانیان مقیم عراق و کربلا برپا شد که در آن شاخه‌های مختلف فرهنگی، دینی و ادبی مورد توجه قرار گرفت. با توجه به مجموعه مباحثی که پژوهشگران دو کشور به آن پرداختند، مقالات همایش موارد مهم و همه‌جانبه‌ای را در بر داشت. مسائل طرح شده در این مقالات، مسائلی جدید و کمتر شنیده شده بودند؛ میراثی مشترک و پیوندی که سبب شده است تا این دو کشور در یک قالب با یکدیگر قرار بگیرند و این موضوع، سبب روشن شدن راه پژوهشگرانی شده است که قصد دارند تحقیقات خود را در این زمینه ادامه دهند. مجموعه مقالات ارائه شده در نخستین همایش کربلا، در کتابی با عنوان «کربلا، میراث مشترک فرهنگی و تمدنی» از سوی انتشارات مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه کشورمان منتشر شده که اثر تحقیقی قابل استنادی است.

این کتاب در بخش «مقالات نویسندگان ایرانی»، ۹ مقاله به قلم نویسندگان و محققان ایرانی دارد و در



علی‌الله سلیمی

منتقد ادبی



مهم‌ترین نقطه مشترک میان دوطرف، تشیع است که به حلقه ارتباطی وثیقی میان ارادت عراق در تمدن اسلامی تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که ایرانیان و عراقی‌ها به واسطه ارادت به خاندان ائمه اطهار مشترکات مذهبی بسیاری با یکدیگر دارند



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید



وقتی گردوغبار زندگی را از لباسش تکاند، تنها سؤال سخت‌ودرست را از خودش پرسید: «کارم را خوب انجام دادم یا خراب کردم؟»

(شرق بهشت جان اشتاین بک)

پیشنهاد

داستانی خواندنی

از مقاومت دلیرانه اهالی خرمشهر

«خون، براده‌هایی از شهر» عنوان کتابی است که داستانی خواندنی درباره خرمشهر و سال‌های جنگ تحمیلی را به تصویر می‌کشد. داستانی درباره یک شهر و مردم آن و نیز وقوع اتفاقی که تاریخ بخشی از کشورمان را شکل می‌دهد. همان ابتدا که کتاب را به دست می‌گیریم جملاتی که بر پشت جلد آن درج شده خودنمایی می‌کند، اینکه: «شش بار مادرم بار شیشه گرفت و جرم‌ن دوتای دیگر از بچه‌هایش زند مانده. بقیه مردند؛ هر سه تا سرزا. همیشه می‌گفت نصفه کار خدا بودم. نصف بچه‌هایش مال خدا بوده، نصفش مال خودش.» اما قرار است داستانی بخوانیم درباره شهری که جنگ را به چشم دید، با دشمن متجاوز جنگید و اشغال و بعد هم آزاد شد. داستان مقاومتی دلیرانه و تجربه‌ای بزرگ، داستان خون‌هایی که در این مقاومت دلیرانه در دفاع از شهر، به زمین ریخته شدند.

در «خون، براده‌هایی از شهر» فقط آدم‌ها نیستند که حضور دارند و با سرنوشتشان مواجه می‌شوند. همه چیز در خرمشهر، از درخت‌ها و گیاهان گرفته تا دیوارها و ساختمان‌ها، دلیل وجودی و معنی‌خاک خودشان را دارند و قطعه‌ای از یک روح بزرگ‌تر را شکل می‌دهند. نویسنده در گفتن از آنها و درنگ بر آنها تعمد دارد و آگاهانه از توصیف فضا و روایت حس و حال، به جست‌وجوی چیزی عمیق‌تر و پایدارتر می‌رود. به نظر می‌رسد که این رمان کوتاه



در «خون، براده‌هایی از شهر» فقط آدم‌ها نیستند

(صدوجهل و چند صفحه‌ای) درباره شهری است که زندگی را دوست دارد و آن را می‌فهمد و لایق بهترین‌ها نیز هست. و نیز درباره جنگی است که در ضدیت با این زندگی از راه می‌رسد و به‌ظاهر بر همه چیز سایه می‌اندازد. اما آن روح بزرگ‌تر، تسلیم شدنی نیست. مهم نیست که شرایط چقدر سخت شود و زمانه و دنیا چقدر بی‌رحم باشند. خرمشهر حتی زمانی که اشغال می‌شود به زیر سایه اهریمنی نمی‌رود و «خرمشهر»، یعنی پاره‌ای از جان ایران باقی می‌ماند. «خون، براده‌هایی از شهر» کاری از مهدی زارع در همکاری با نشر سورمه مهر است. او در رمانش، آدم‌هایی را به صحنه می‌آورد و از فداکاری‌هایی که آنان می‌کنند و حماسه‌هایی که رقم می‌زنند می‌گوید. این آدم‌ها را که همگی عادی و دوستشان دارد. آنان را قهرمانان ماجراجویی بزرگ می‌بیند. مهدی زارع در «خون، براده‌هایی از شهر» از جنگ و نبرد خانه به خانه با دشمن می‌نویسد، اما به زعم خود به چیزی مهم‌تر توجه دارد. می‌گوید خرمشهر را با همه عمق و عظمتش روایت کند و جنگ را ژومونی، اتفاقی و عارضه‌ای در حیات آن به تصویر بکشد.



در سومین روز شهادت امام حسین(ع)، زنان قبیلۀ بنی‌اسد با حضور در مرقد مطهر سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین(ع) با مقام امامت تجدید بیعت کرده و به عزاداری می‌پردازند. به موجب این سنت دیرینه، زنان سیدهای حبصری در این مراسم حاضر می‌شوند که نماد بوریایی است که پیکر مطهر امام حسین(ع) و یارانش در آن کفن شدند.

عکس: میوز